

باعث می‌شود که کار تو با آن‌ها متفاوت باشد. همان‌طور که خود آن آثار بسیار از پیشینیان خود وام گرفته‌اند. مگر می‌توانیم تأثیر سینمای اورسن ولز یا فدریکو فلینی را در پلان‌های بهرام بیضایی ببینیم؟ من به شما سکانس نشان می‌دهم که چطور متأثر از فلان لحظه فلینی یا فلان کار کوروساوا است. اما آیا آن اثر شبیه کار کوروساوا یا فلینی است؟ نه. آن فقط کار بهرام بیضایی است.

در میانه بحث‌ها یگان بحث تناثری بودن را پیش کشیدید. این اصلاً عجیب نیست که عده‌ای حتی ندیده بگویند «شبکه مخفی زنان» تناثری است. چرا؟ چون افشین هاشمی کارگردان و محمد رحمانیان نویسنده‌اش است و هر دو پیشینه قوی تناثری دارند. قبل از این سؤال در ذهن من وجود دارد که: آیا این ویژگی که مدام در نوشته‌ها تکرار می‌شود اصلاً یک ویژگی منفی است؟ مگر بد است که یک اثر تناثری باشد؟

اصلاً می‌تواند یک ویژگی مثبت باشد. ما حتی فیلم داریم که کلاً با این نگاه ساخته شده است: مثل «داگویل» یا نسخه موزیکال فرانسوی «بینویان» که چند سال پیش ساخته شد. این فیلم‌ها اصلاً با نگاه به تناثر ساخته شدند. حتی خیلی از فیلم‌های اینگمار برگمان در دل خود تناثری هستند. این اصلاً اشکال ندارد. چطور تو مثلاً می‌گویی فلان کار را با نگاهی به سینمای مستند دارم می‌سازم؟ تو تمام قاب‌های لانگ‌شات سینمای روشنفکری از دریا و درخت را که نگاه کنی، از نقاشی دارد می‌آید. این‌ها همه هنرهای تصویری‌اند. فیلم‌های مارول از دل بازی‌های کامپیوتری در می‌آید.



در تصویری که ارائه می‌دهم در جست‌وجوی نگاه خودم هستم. وقتی این نگاه با آن تأثیر آمیخته شود، باعث می‌شود که کار تو با آن‌ها متفاوت باشد. همان‌طور که خود آن آثار بسیار از پیشینیان خود وام گرفته‌اند. مگر می‌توانیم تأثیر سینمای اورسن ولز یا فدریکو فلینی را در پلان‌های بهرام بیضایی ببینیم؟



جمله خوبی بود. آن آدم می‌فهمید با یک فیلم خوب طرف است، دوست داشت تماشاگرش باشد ولی لزوماً حاضر نبود تهیه‌کننده‌اش بشود. در کارگردانی هم همین است. شما ممکن است خیلی از آثار را عاشقانه بپرستید ولی وقتی می‌خواهی قصه بگویی دوست داشته باشی جور دیگری قصه بگویی. من بسیار از همه این‌ها موخه‌ام و مفتخرم که در کنارشان بوده‌ام ولی در عین حال در تصویری که ارائه می‌دهم در جست‌وجوی نگاه خودم هستم. وقتی این نگاه با آن تأثیر آمیخته شود،

عاشقانه نگاه کرده‌ام. ولی معنی این حرف این نیست که وقتی خودت می‌خواهی کاری کنی لزوماً می‌خواهی اثر او را بسازی. اثر او را خودش ساخته است. تو اثر خودت می‌سازی. شاید تو عاشق نگاه او باشی ولی لزوماً وقتی خودت می‌خواهی حرف بزنی، از آن دایره واژگان استفاده نکنی.

یک‌بار تهیه‌کننده‌ای جمله‌ای گفت که برابرم خیلی جالب بود. داشتیم با او در مورد تولید یک فیلم صحبت می‌کردیم. فهرست بازیگران را پرسید و آن‌ها را، که هیچ‌کدام از بازیگران سرشناس نبودند، معرفی کردیم. قصه‌اش را پرسید و تعریف کردیم. گفت: «خیلی فیلم خوبی می‌شود. این فیلم را حتماً می‌بینم اما تهیه‌اش نمی‌کنم». خیلی